

کوتاه دیپلماسی

رابطه مالی:

آمریکانمی تواند تا ابد منتظر بازگشت ایران به مذاکرات بماند

● **ایسنا:** نماینده ویژه آمریکا در امور ایران، اظهار کرد واشنگتن نمی‌تواند تا ابد منتظر بازگشت ایران به مذاکرات وین جهت احیای برجام بماند. به گزارش العربیه، رابرت مالی، نماینده ویژه آمریکا در امور ایران، در گفت‌وگویی با تلویزیون بلومبرگ، اعلام کرد تاابحال چیزی درخصوص اینکه سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور ایران آماده متعهدشدن به دور هفتم مذاکرات وین بوده را دریافت نکرده است. مالی در این زمینه گفت: «ما نمی‌توانیم هنگامی که ایران درحال پیشرفت هسته‌ای است، تا ابد منتظر بمانیم؛ چراکه زمانی می‌رسد که پیشرفت‌های آنها بازگشت به برجام را برای آمریکا بسیار کم‌ارزش‌تر می‌کند.» وی با طرح اینکه «آمریکا آماده شکیبایی است»، افزود: «باایمانم این را زیاد طولانی نکنیم؛ چراکه در یک نقطه زمانی باید به نتیجه دیگری برسیم.»

تحریم‌های جدید آمریکا علیه ۴ ایرانی

● **ایسنا:** وزارت خزانه‌داری آمریکا از اعمال تحریم علیه چهار ایرانی به اتهام «تلاش برای ربودن یک خبرنگار واقع در نیویورک» خبر داد. به گزارش پایگاه خبری دو دیسکوکوس، وزارت خزانه‌داری آمریکا با صدور بیانیه‌ای، از اعمال تحریم علیه چهار عامل اطلاعاتی ایران به دلیل آنچه که دست‌داشتن در طرح ناکام «رپایش خبرنگار و فعال حقوق‌بشری آمریکایی»، عنوان کرده، در لیست تحریم‌های خود قرار داده است. طبق بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا، علیرضا افغانی، محمود خاضعین، امید نوری و کیا صادقی، هدف تحریم‌های واشنگتن قرار گرفته‌اند. این تحریم‌ها باعث بلوکه‌شدن اموال این اشخاص در آمریکا و جلوگیری از تبادل مالی میان آنها و شهروندان آمریکایی خواهد شد.

خطیب‌زاده:

واشنگتن راهی جز استفاده از رفتار محترمانه در قبال تهران ندارد

● **ایرنا:**سعید خطیب‌زاده، سخنگوی وزارت خارجه در واکنش به اقدام خزانه‌داری آمریکا در قراردادن نام چهار شهروند ایران در فهرست تحریم‌های آمریکا، اظهار کرد: «متأسفانه مقامات فعلی آمریکا مسیر شکست‌خورده دولت قبلی را طی می‌کنند.» وی ادامه داد: «امیان و کاسپیان تحریم در آمریکا جبهه ابزار تحریمی خود را در اثر مقاومت حداکثری ایران خالی دیده‌اند و این‌بار با توسل به سناریوهای هالیوودی، تلاش دارند حیات برگرفته از فضای تحریمی را برای خود زنده نگه دارند.» سخنگوی وزارت امور خارجه افزود: «واشنگتن بداند راهی جز ترک اعتیاد تحریمی خود و استفاده از ادبیات و رفتار محترمانه در قبال تهران ندارد.»

مقررات عراق

برای ورود و خروج از این کشور

● **ایسنا:**سازمان گردشگری عراق تنها مرجع قانونی برای ورود و خروج زائران و گردشگران به این کشور شناخته شد. به گزارش خبرگزاری رسمی عراق، واع، دفتر نخست‌وزیر عراق با ارسال بخش‌نامه‌ای به وزارت کشور این کشور، تنها مرجع صلاح را که عهده‌دار مسئولیت ورود و خروج زائران و گردشگران خارجی به عراق است، سازمان گردشگری این کشور اعلام کرد. بر اساس این بخش‌نامه، درخواست ورود گروه‌های زیارتی و سیاحتی تنها به سازمان گردشگری زیرمجموعه وزارت فرهنگ عراق مجول شده و فقط شرکت‌های گردشگری مجاز و مورد تأیید این سازمان می‌توانند برای ورود و خروج گروه‌های گردشگری و زیارتی همزمان با مناسبت‌های مذاکراتی صورت‌زیرتی اقدام کنند. همچنین در این بخش‌نامه آمده است این تصمیم برای جلوگیری از ورود بی‌ضابطه زائران به عراق و رونق بخش اقتصادی و گردشگری در این کشور اتخاذ شده است. عراق هم‌زمان با دهه نخست محرم نیز بخش‌نامه دیگری را صادر کرده و از شرکت‌های هواپیمایی خواسته بود زائران را بدون ویزای معتبر و به این انگیزه که در فرودگاه و مرزهای ورودی ویزا دریافت خواهند کرد، جابه‌جا نکنند. مقامات ایران از مدت‌ها پیش ریزینی‌هایی را با سازمان گردشگری و وزارت فرهنگ عراق برای دریافت مجوز ورود زائر به این کشور آغاز کرده‌اند. در آخرین دیدار نیز بروتکل‌های پیشنهادی برای سفر زائران ایرانی به وزیر فرهنگ و سیاحت عراق تحویل داده شد و در سطح وزارت امور خارجه ایران و نخست‌وزیری عراق هم درباره ازسرگیری سفرهای زیارتی همزمان با مناسبت‌های مذاکراتی صورت گرفته است. به تازگی نیز یک خبرگزاری عراق مدعی شده که دولت این کشور برای سفر پنج‌هزار زائر در اربعین به هر کشور مجوز می‌دهد؛ هرچند مسئولان ستاد اربعین در ایران گفته‌اند عراق هنوز جزئیات اعزام‌های اربعین را به ایران اعلام نکرده است. با وجود این تلاش‌ها و ریزینه‌ها برای ازسرگیری سفرهای زیارتی در اربعین، رئیس گروه واکنش‌سریع کرونا پیشنهاد کرده که امسال مراسم پیاده‌روی اربعین با بسیار محدود برگزار شود و با یک سال دیگر به تعویق بیفتد. دکتر حمید سسوری به ایسنا گفته است که پوشش واکنسیانسون در ایران و عراق با میانگین جهانی فاصله دارد.

دیپلماسی

مدیرکل خلیج فارس درباره مذاکرات بین ایران و عربستان توضیح داد

مذاکره بدون پیش‌شرط بین ۲ کشور همیشه رقیب

عربستان در گفت‌وگوهای خود با ایران جدی است. به گزارش ایسنا به نقل از الجزیره، علیرضا عنایتی، مدیرکل خلیج فارس وزارت امور خارجه فضای گفت‌وگوهای تهران و ریاض در سه دور گذشته در عراق را مثبت توصیف کرد و گفت که «تهران برای ازسرگیری روابط دیپلماتیک با ریاض هیچ قیدوشرطی ندارد. اگر عربستان تصمیم به بازکردن سفارت خود در تهران بگیرد و نماینده یا سفیر اعزام کند، تهران نیز آماده بازگشایی سفارت خود در ریاض خواهد بود.» سال ۹۴ عربستان با اعلام قطع رابطه با ایران، اعضای سفارت خود را فراخواند و به سفر و اعضای سفارت ایران دو روز وقت داد تا خاک عربستان را ترک کنند. اگرچه در همان زمان که رابطه قطع شد نیز، ریاض در تهران سفیر نداشت و به‌تازگی سفیرش درحال دریافت اگرمان بود. سفیر پیشین عربستان به این دلیل که در مرادوهای با هاشمی‌رفسنجانی بینی او را بوسیده بوده، به کشور فراخوانده شد. امیرعبداللهیان که همان زمان معاون عربی وزیر خارجه بود، در گفت‌وگویی با «شرق» در این مورد توضیح داد که در مناسک عرب‌ها بوسیدن بینی تنها برای مقام پادشاه کشورشان جایز است به همین دلیل آن سفیر به کشورش فراخوانده شد. آخرین سفیر ایران در عربستان حسین صادقی از سفرای خوششانم ایران بود که با دو نوبت تجربه سفارت در عربستان دو سال گذشته بازنشست شده است. هنوز از آنچه در سه دور مذاکره بین ایران و عربستان می‌گذرد، سخنی گفته نشده اما آنچه هیچ‌کس قید اینکه این دو کشور باید اول از همه لیستی از مشکلاتشان تهیه کنند تا بتوانند



نگاهی به مواضع ایران در قبال تحولات افغانستان

انفعال روی دور تکرار

است که بر مبنای آن بتوان امیدوار بود گفت‌وگویی برای تقسیم قدرت شکل بگیرد؟ طالبان پایتخت را به زور اسلحه گرفته و در ارگ قدرت ساکن است. حتی اگر زمانی انگیزه‌ای برای این‌فکت‌وگوها داشت، الان چرا باید لزومی ببیند که با کسی درباره سرنوشت کشور مذاکره کند؟ بلکه حتی اگر مذاکره هم صورت بگیرد، آیا جز این است که همین وضعیت فعلی نتیجه تخطی طالبان از مفاد توافقات پیشینش بوده است؟ هر گروهی که بخواهد طرف مذاکره طالبان باشد، چقدر می‌تواند روی تعهد این گروه به نتایج گفت‌وگو حساب باز کند؟ آیا اساسا طالبان چنان ساختار تشکیلاتی منسجمی دارد که هر حرفی که نماینده‌های پای میز مذاکره بزند، معنادار باشد؟ جز این است که تعدد مدعیان در ساختار این گروه و اتکای همه آنها به اینکه حرف آنها حرف خداست، تا همین حالام به باعث شده در نقاط مختلف رفتارهای متفاوتی از طالب‌ها سر بزند؟ نماینده طالبان که در ظاهر به گفت‌وگو و تعامل معتقد خواهد بود، به پایه کدام ساختار قانونی یا تشکیلاتی می‌تواند همه اعضا و رهبران و مدعیان این گروه را به رعایت اصول توافق قانع یا مجبور کند؟ به‌ویژه آنکه اکنون ما از نتایج گفت‌وگوی بین پنجشیری‌ها و طالبان مطلع هستیم که در مقابل هدف آنها برای دولت سراسری و آزاد پیشنهاد کرسی به احمد مسعود داد‌اند.

پنجشیری‌ها راه دیگری دارند؟
مسئله دیگر همین مسئله طرف مقابل گفت‌وگوست. الان به‌جز چند چهره مثل عبدالله

به یک مذاکره سازنده دست پیدا‌کنند. عنایتی گفته که «مذاکرات میان ایران و عربستان در زمان مناسب از سر گرفته خواهد شد و هیچ کشوری در خلیج فارس طرح صلح هرمز را رد نمی‌کند.» اشاره این مقام مسئول به طرحی است که از سوی دولت روحانی برای همکاری منطقه‌ای با کشورهای خلیج فارس مطرح شده است. اگرچه این طرح مخالفی ندارد اما موافقی را هم با خود همراه نکرده است. ایرج مسجدی، سفیر ایران در عراق در مورد اینکه چرا در بغداد و در حاشیه نشست ملاقاتی بین وزیر خارجه ایران و عربستان صورت نگرفته توضیح داد که «ما (ایران و عربستان) سه دور مذاکره کرده بودیم و رؤسای مذاکره‌کننده دو کشور با هم صحبت‌های مختلفی داشتند. قرار بر این شد که این مذاکرات ادامه یابد و چون با تشکیل دولت جدید در ایران مواجه شد، گفت‌وگوها موقوف به شکل‌گیری دولت جدید جمهوری اسلامی شد. در واقع صلاح بر این شد که ما همان روند مذاکرات را در پیش بگیریم و ادامه بدهیم. فکر می‌کنم این اتفاق (ادامه مذاکرات ایران و عربستان سعودی) انجام خواهد شد.» وی درباره مکان برگزاری این گفت‌وگوها گفت: «دور بعدی (چهارم) شاید در بغداد و مکان دورهای بعدی هم بنا به توافق طرفین خواهد بود.» باید دید که مذاکرات بین ایران و عربستان چگونه پیش می‌رود؛ چون می‌تواند تحولات زیادی در منطقه ایجاد کند. اما در هر صورت نفس نشستن پای میز مذاکره بین دو کشور همیشه رقیب، مثبت‌تر از انتقاد پشت‌تریون‌های رسمی به همدگر است.

تعامل با دیگران چه‌شد؟

در این میانه ایران به‌جز تکرار این ایده و میزبانی یکی، دو نشست‌نه‌چندان پرحاصل در تهران چه کرده است؟ ایران به‌عنوان همسایه نزدیکی که البته تها رسمی‌اش هم در تضاد با عقاید تروریست‌های بنیادگرای طالبان قرار می‌گیرد، شاید بیشتر از دیگر همسایه‌ها در معرض آسیب و خطر از سوی طالبان قرار می‌گیرد. در تماس‌های متعددی که این مدت بین وزیر خارجه ایران و همتایان در کشورهای منطقه و قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی صورت گرفته است، چرا تلاشی نشده است که جنبش، همکاری و تحرک برای مواضع به این معضل شکل داده شود؟ چرا ایران درباره افغانستان با کسی صحبتی جدی نکرده است؟ اگر حرکتی انجام شده، چرا برون‌دادی نداشته است؟

بر سرپناه‌جویان چه خواهد آمد؟

حتی اگر مثل برخی تحلیلگران، تسلط و ادامه حکومت طالبان را سرنوشت تلخ و محزون این منطقه دست‌کم برای آینده میان‌مدت بدانیم، باز با سؤال‌هایی مواجه می‌شویم. ایران برای شرایطی که در نزدیک به هزار کیلومتر از مرزش با حکومت یک گروه تروریستی همسایه می‌شود، چه تمهیدی اندیشیده و چگونه خود را آماده کرده است؟ کار طالبان بخواهد برای رفع بحران، اقدام‌های گسترده‌ای داشته باشد، تجارت پرپول مواد مخدر را در افغانستان مدیریت کند، ایران چه خواهد کرد؟ اتحادیه اروپا از ترس شکل‌گیری دوباره موج مهاجرت و بحران مهاجرتی‌که این بار ممکن است خود اتحادیه را بیش از نمونه مشابه سال ۲۰۱۵ سوریه تهدید کند، به تکاپوی تعامل و همکاری با همسایگان افغانستان افتاده و حتی صحبت از پرداخت پول به این کشورها برای مدیریت پناه‌جویان و مهاجرانی می‌کند که ناچارند از افغانستان تحت سلطه طالبان بگریزند. ایران چه تعاملی با کشورهای مثل تاجیکستان و ازبکستان برای مدیریت این مشکل مشترک داشته است؟ چه برنامه و ایده‌ای برای میزبانی از این پناه‌جویان در ایران آماده شده است؟

از راهبردی‌ها خبری هست؟

درباره مواضع ایران با وضعیت افغانستان حرف و سؤال در میان گروه‌های کوچک و بزرگ مردم بسیار بوده است. برخی درباره حمایت ایران از گروه‌های مقاومت در افغانستان می‌پرسند، برخی درباره تعامل دیر با زود ایران با طالبان سؤال می‌کنند. برخی به دنبال چرایی عدم دخالت نظامی ایران هستند، توقع برخی میزبانی با تمام توان و حمایت از پناه‌جویان گریخته از تیغ طالبان است. خواست برخی مناعت از ورود آنها و حتی اخراج آنهایی‌که آمده‌اند و برخی حتی به دنبال اندازه‌گیری میزان تقصیر و تأثیر ایران در وضعیت فعلی افغانستان هستند؛ اما به نظر می‌رسد سؤالی که در این مرحله پیش و بیش از همه نیازمند پاسخ باشد، این است: ما داریم چه کار می‌کنیم؟

ادامه از صفحه اول

«سلسله‌جبال» حکمرانی در ایران

در لایه پایین‌تر این هرم دستگاه‌های دولتی‌اند که مستقیماً با غیرمستقیم درگیرودار این موضوع‌اند؛ از وزارت کشاورزی و بازرگانی تا کم‌رک و… در لایه بعدی مرغدار و در پایین‌ترین لایه، تولیدکننده داخلی نهاده‌ها. به این آخری توجه کنید؛ تولیدکننده نهاده‌ها ضعیف‌ترین لایه در هرم قدرت است. لایه دوم یعنی دستگاه‌های دولتی در عمل قدرت کمتری از اولی دارد؛ چون سیاست‌هایش برای تنظیم بازار نهاده‌ها و خوراک مرغ همواره با شکست مواجه می‌شود. اینجا جای آن نیست که وارد تفصیل شوم. تنها به این اشاره می‌کنم که مرغدار به دلیل تأثیر کم‌تر بر پرداخت وجهی که برای او تعیین شده و به دلیل عدم تمکن مالی ناچار از فروش حواله خود به «فایننسر» یا «دلال» است. بنابراین، این دلال است که همه چیز را تعیین می‌کند و قدرت اصلی از آن‌وست. این تدرستی نه‌چندان پیچیده سبب می‌شود که وعده‌ها برای تنظیم بازار مرغ و کاهش قیمت محقق نشود به یک دلیل ساده؛ دولت بی‌قدرت است. همین مستقل از قضاوت درباره درست یا غلط‌بودن تصمیمات دولتی، کشتار جوجه‌های یک‌روزه که از طرف بخش خصوصی اتفاق می‌افتد، عملاً «هل من مبارز» طلبیدن از سوی این بخش است؛ برای فشار بر دولت تا تصمیمات خود را اصلاح کند.

۴- در امور مربوط به کسب‌وکارهای مرتبط با فناوری اطلاعات و ارتباطات نیز کارشناسی بخش دولتی نحیف و ضعیف است و از دانشی اندکی برخوردار است؛ بنابراین استقلال بخش غیردولتی بیشتر است. هرم قدرت بخش خصوصی، به دلایل فنی و نه ضرورتاً رانتی، بسیار بلندتر از هرم رسمی است. ازاین‌رو دولت یا مانع‌تراشی می‌کند یا به دلیل عدم درک روشن، رهاسازی می‌کند. مثلاً در برخورد با رزماززها، فین‌تک‌ها، کسب‌وکارهای حمل‌ونقل عمومی، اپلیکیشن‌های مشاوره سلامت و ده‌ها مورد دیگر دولت در نهایت به تنظیم‌گری پسینی روی آورد. به بیان دیگر این هرم با قدرتی فراتر از قدرت رسمی به حیات خود ادامه می‌دهد. در برخی موارد هرم‌های چندگانه فاجعه است و در برخی دیگر ضرورتاً منفی نیست. بسته به مورد می‌توان قضاوت را تغییر داد و درباره صلاح و فساد آن نظر داد؛ اما نکته مهم این است که بدانیم و آگاه باشیم که «سلسله‌جبال» از هرم‌های کوناگون قدرت در کشور ایجاد شده است که دولت و حکومت تنها یکی از آن «جبال» است؛ این، واقعیت امروز جامعه ما و جهان است. در ایران البته این تکتک هرم‌ها در درون خود حاکمیت هم وجود دارد که بیش‌تر با عنوان «سوءصرف» نهادی به آن پرداخته‌ام.

چه نتیجه‌ای می‌گیریم؟

چرا وعده‌ها محقق نمی‌شوند؟ چرا دولت‌ها موفق نمی‌شوند؟ چون آنان، بر فرض که صادق و خوش‌نیت باشند، تنها بر گوشه‌ای از این سلسله‌جبال اشراف و اقتدار دارند. دیگر خبری از مثلث آهنین نیست؛ بلکه مثلث‌های آهنینی از قدرت و منفعت است که «نظام» سیاست‌گذاری عمومی را در خود فرارگفته است. این واقعیت، پیچیدگی خارق‌العاده اداره امور عمومی را به‌ویژه در ایران نشان می‌دهد. آگاهی و خودآگاهی نسبت به این وضعیت یکی از ضرورت‌های حکمرانی و دولتمردی در ایران است و سبب می‌شود که وعده‌های مقامات با احتیاط فراوان دنبال شود؛ چراکه عملاً و بهترین حالت، چیزی بیش از آرزوهای خوب و خیالات واهی نیست.

حادثه مرگ بارو و چالش‌های توسعه کردستان

شاخص‌های توسعه آموزشی و پوشش مدارس در دوره‌های ابتدایی و متوسطه، شاخص‌های بهداشتی، درمانی، بیمارستانی و دسترسی به پزشک و پزشک متخصص، دسترسی به سرانه آب لوله‌کشی، پوشش تلفن ثابت و همراهی و اینترنت و مواردی از این دست نشانگر مشکلات و مسائل مشهود توسعه‌ای در این حوزه‌هاست. اگر این شاخص‌ها را با وضعیت راه‌های این استان‌ها در نظر بگیریم، عمیق‌تر س‌با درد و رنج شهروندان شریف ایرانی در غرب کشور آشنا می‌شویم. این در حالی است که از نظر منابع آبی، میزان بارش باران نسبت به کل کشور، معادن فراوان، وجود تسخرانگیز و چشم‌اندازهای طبیعی و نیروی انسانی متخصص وضعیت این استان‌ها امیدبخش است.

۳- تنها با تکیه بر بودجه‌های سالانه نمی‌توان به مصاف توسعه جای‌جای کشور به‌ویژه غرب کشور رفت. این مهم نیازمند اراده جدی دولتمردان، استفاده از ظرفیت مراکز مطالعاتی و تدوین برنامه‌های کارشناسی‌شده مبتنی بر آمایش سرزمین ویژه هر استان است تا بر اساس ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و محدودیت‌های هر منطقه اقدام به تدوین و اجرای برنامه‌کرد. برای اجرای برنامه نیز انتخاب مدیران مجرب و متخصص و بالانگیزه و راهبردی است. سرباز تاب‌آوری مردم در این شرایط سخت روبه کاهش است و بخشی از این وضعیت را می‌توان در خلال مشارکت بسیارکم مردم در انتخابات مجلس گذشته (مثلاً شهرستان مروان)، انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر و حتی بروز اعتراضات بزینبی در مروان و کرمانشاه دید. عقل، تدبیر و نین منافع ملی و حقوق ایرانیان ایجاب می‌کند بیش از گذشته برای توسعه استان‌های مرزی به‌ویژه استان کردستان، به فکر چاره بود. حق ملت ایران و به‌ویژه شهروندان کردستانی این شاخص‌های توسعه و این وضعیت غم‌انگیز جاده‌ای نیست.

| | |
|---|--|
| یادداشت مهمان | |
| <p>مواجهه ایران با معمای افغانستان</p> | |
| <p>برآورد‌های مجدد در سال ۲۰۱۷ حاکی از این است که ارزش منابع معدنی این کشور به سه تریلیون دلار می‌رسد. این دارایی عظیم افغانستان برای کشورهایمانند چین که صنعت تکنولوژی خود را هرروز گسترش می‌دهند و نیاز برمی به لیتیوم در ساخت تلفن همراه، لپ‌تاپ و سایر ابزارهای الکترونیکی دارند، بسیار جذاب است. حضور جمهوری اسلامی ایران در افغانستان از این پس نباید صرفاً جنبه معنوی داشته باشد. با وجود کوشش‌هایی مانند پاکستان، قطر، ترکیه و روسیه که در تعامل با طالبان، نگاهی کاملاً منفعت‌طلبانه به افغانستان در پیش گرفته‌اند، ایران نیز باید در یک تعامل دوجانبه، منافع حداکثری خود را در نظر بگیرد و به‌ویژه در رقابت با ترکیه دست بالاتر را در افغانستان داشته باشد. توسعه روابط اقتصادی با طالبان علاوه بر منافع مادی، جنبه امنیتی هم در بر دارد. برای جلوگیری از گسترش فعالیت‌های تروریستی داعش در افغانستان، ضرورت دارد جمهوری اسلامی به موازات روابط اقتصادی خود با طالبان، همکاری‌های امنیتی خود را نیز با این‌گروه تقویت‌کند تا مانع شکل‌گیری هسته‌های تروریستی دیگر در منطقه شود. غفلت از داعش افغانستان یک اشتباه راهبردی است</p> | |
| <p>مجتبی نیک‌فقال، کارشناس ارشد روابط بین‌الملل: از روزی که ایالات متحده آمریکا به افغانستان لشکرکشی با عملیات موسوم به «آزادی بلندمت» گروه طالبان را سرنگون کرد، ۲۰ سال گذشته و بسیاری از معادلات و مناسبات در این کشور تغییر کرده است؛ اما تازه‌ترین تحول در کشور همسایه، حاکم‌شدن همان طالبانی است که از آمریکا شکست خورد ولی در روستاهای دورافتاده و کوهستان‌ها به بازآفرینی خود مشغول بود. جمهوری اسلامی ایران حالا با پدیده‌ای روبه‌رو است که به ادعای حاکم بر روابط بین‌الملل می‌گوید ایران نباید از قافله عقب بماند و عرصه را برای کشورهایمانند ترکیه در افغانستان خالی نگذارد. چشم ترکیه به بازارهای این کشور دوخته شده و نیم‌نگاهی هم به معادن غنی این کشور دارد. اگر با وجود دولت اشرف غنی و به دلیل نبود امنیت در ولایت‌های افغانستان، امضای قراردادهای سرمایه‌گذاری ممکن نبود، حالا با حاکمیت طالبان این امکان فراهم شده تا دولت‌های خارجی منابع افغانستان را در قراردادهای شسیرین، مال خود کنند. ارزیابی‌های آمریکا تا سال ۲۰۱۳ نشان می‌دهد معادن مس، لیتیوم، اورانیوم و خاک‌های کمیاب افغانستان یک تریلیون دلار ارزش دارند؛ اما</p> | |